

تحول زبان ارتباطی مطبوعات

نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، به همت مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها و همکاری گروه آموزش علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، در روزهای ششم و هفتم اسفند ۱۳۶۹، در هتل استقلال تهران برگزار شد. «تحول زبان ارتباطی مطبوعات»، عنوان مقاله‌ای است که توسط احمد میرعابدینی در این سمینار ارائه شد. متن ضبط شده این سخنرانی، که در آن به سرچشمه‌های زبان مردمی در ادبیات و مطبوعات اشاره شده، پس از تبدیل به نوشتار، در اینجا به چاپ رسیده است.

به نام خدا، و با اجازه حضار محترم!

چکیده گزارشی که عرضه می‌شود، مروری است فهرست‌وار بر شکل‌گیری زبان مطبوعات. ابتدا به عوامل تغییر معنا و سبک اشاره می‌کنم، سپس، اهمیت گفتار و تقدس نوشتار یادآوری می‌شود، و در پایان پیوند این دو سبک بیان در مطبوعات مطرح می‌گردد. آنچه به عنوان نتیجه‌گیری می‌آید، در واقع برای بنده در حکم سؤال است، که از شما نیز راهنمایی می‌طلبم.

ارتباط یعنی هنر انتقال معنا. زبان ارتباطی، زبانی است جذاب، ساده و با کمترین پیرایه و حشو و زائده. مطبوعات، تحولات زیادی را از سر گذرانده‌اند که تحول زبان ارتباطی به‌ویژه در دوازدهم اخیر، از آن جمله است. در این سالها شاهد بودیم که بازار مطبوعات رونقی شهاب‌گونه داشت؛ درخشید و محو شد؛ همچون ستاره‌ای دنباله‌دار بود، اما دنباله‌ای نداشت. در این لحظه گذار، کلمات، شتابزده از قفسهای سینه بیرون آمدند و رازهای شفاهی سرگشودند، تا این مجوسان دریند به سرزمین امن و مقدس نوشتار هجرت کنند. در این هنگامه بود که قلمها و ضبطهای صدا و تصویر، تا توانستند لحظه‌های شیرین و تلخ را ثبت و ضبط کردند و بدین گونه بخشی از فرهنگ شفاهی، به عصر رسانه‌ها انتقال یافت.

این تحول، در مرحله نخست، در پاسخ به نیازهای اطلاعاتی جامعه دوران انقلاب صورت گرفت. در این مرحله، انتقال معنایی، انگیزه اصلی تغییر شکل زبانی به شمار می‌رفت. جامعه، زنده و تشنه دانستن مفاهیم تازه‌ای بود که در فرایند انقلاب و جنگ شکل می‌گرفتند؛ جامعه می‌خواست فرآورده‌های فرهنگی این دگرگونیها را در میان اعضای خود به گردش درآورد. فرهنگستانی نبود، اگر هم وجود می‌داشت، چگونه می‌توانست انرژی فرهنگی، زبانی و اطلاعاتی آزادشده در طول انقلاب و جنگ را مهار کند؟ با توجه به این نیاز بود که یک مکانیزم ارتباطی خودجوش، میان مردم و مطبوعات شکل گرفت.

تغییر معنا

در باره عوامل تغییر معنا به اختصار می‌گوییم که زبان و معنا دستخوش تحولند، و پیدایش نیازهای نو، عامل اصلی تغییر آنهاست. معناها، معمولاً به کندی متحول می‌شوند، اما در پاره‌ای زمینه‌ها، تغییرات معنایی، نه جنبه‌ای تحولی، که ابعادی جهشی دارند، و یک دگرگونی عظیم و عمیق اجتماعی ضرباهنگ آنها را تندتر می‌کند.

تحولات اجتماعی سالهای اخیر، تغییرات معنایی گسترده، و مفاهیمی تازه آفریدند، و نیروی عظیمی که از انباشت مفاهیم نو پدید آمد، قالبهای سنتی بیان را شکست. برای بیان مفاهیم تازه، سبک و قالبی نو باید به وجود می‌آمد.

تغییر سبک و ابزار بیان

در باره تغییر سبک و ابزار بیان، یادآوری می‌شود که زبان، با توجه به شرایط متغیر و گوناگونی که در آن به کار برده می‌شود، و بسته به وظایف متنوعی که بر عهده می‌گیرد، گونه‌هایی پیدا می‌کند. این گونه‌ها که از تفاوت کاربردها ناشی می‌شوند، سبک نام دارند. سبک به سه عامل مهم بستگی دارد که عبارتند از: موضوع، وسیله بیان و رابطه اجتماعی گوینده و شنونده.

موضوع سخن، در سبک زبانی که به کار برده می‌شود موثر است، از اینجاست که سبک سخنرانی مذهبی با نطق انتخاباتی فرق می‌کند و این هر دو، با سخنرانی علمی تفاوت دارند. با بروز انقلاب، «موضوع» مورد بحث در جامعه زبانی ما تغییر کرد و بسیاری از تابوهای موضوعی از میان رفتند، یا عوض شدند.

عامل دوم در تعیین سبک، وسیله بیان است. وسیله بیان ممکن است گفتار یا نوشتار باشد. در هر زبانی، بین گفتار و نوشتار تفاوت‌هایی هست. به طور کلی، نوشتار محافظه کارتر از گفتار است و پا به پای تحولات گفتاری دگرگون نمی‌شود. انقلاب، به عنوان پدیده‌ای غیر-محافظه کارانه، محافظه کاری ذاتی نوشتار را تا جایی کاهش داد که این وسیله بیان به گفتار نزدیکتر شد.

عامل سوم در تعیین سبک، رابطه اجتماعی گوینده و شنونده است. نحوه گفتار یا نوشتار، نگرش گوینده یا نویسنده را نسبت به مخاطب نشان می‌دهد. انقلاب، روابط اجتماعی را نیز تحت تاثیر قرار داد.

به این ترتیب، با تغییر موضوع، وسیله بیان و روابط اجتماعی، تغییر در زبان ارتباطی مطبوعات به وجود آمد که آن را تغییر سبک می‌خوانیم.

اهمیت گفتار

این تغییر، همان گونه که گفته شد، برای بیان مفاهیم تازه صورت می‌گرفت. در باره اهمیت گفتار به عنوان وسیله بیان، به این تعریف مختصر اشاره می‌کنیم که، زبان دستگاهی است از عادات گفتاری، و نوشتار بازتاب و طریقی است برای نمایاندن گفتار؛ طریقی که همواره ناقص و تقریبی است. گفتار، چه از نظر منشاء تاریخی و چه در زندگی و تمدن امروزی، مهمتر از نوشتار است. این تمایز در تکنولوژی جدید نیز آشکار است. امروزه، ساخت ماشینهای گفتارخوان بسیار دشوارتر از ماشینهای نوشتارخوان است و مهندسان نیز در ساختن دستگاههای تشخیصی نوشتار موفق‌تر بوده‌اند.

نقدس نوشتار

از سوی دیگر، نوشتار نیز مقدس است و در بنای تمدن معاصر نقشی عظیم دارد. تقدس اسطوره‌ای نوشتار، در کتاب و مطبوعات نیز حفظ شده و نزد بسیاری از مردم دنیا، اعتبار مطالب چاپ شده، تردیدبردار نیست.

به این ترتیب، نوشتار و گفتار دو گونه متفاوت زبان هستند که وجوه مشترکی دارند، اما در عین حال، شکاف وسیعی نیز میان آنها موجود است. نوشتار، معمولاً معادل دقیق گفتار

نیست و بازتاب عاطفی یکسانی ندارد. چه بسیارند عباراتی که روانند و به مقصود نزدیک، اما از نوشتن آنها می‌پرهیزیم، چرا که به محاوره یا گونه‌گفتار تعلق دارند، و در عوض با کاربرد الگویی کتابی، معنی را فدای لفظ می‌کنیم. به همین علت است که نوشتار خشک‌تر و بی‌روح‌تر از گفتار است و اغلب تصنعی و غیرطبیعی جلوه می‌کند.

با جدایی گفتار و نوشتار که نماد وجود شکاف عمیق میان قشرهای اجتماعی است، بخش عمده‌ای از فرآورده‌های فرهنگی، زبانی و اطلاعاتی، عملاً از دسترس مخاطبان دور می‌ماند.

رسانه‌های جمعی، از جمله رادیو و تلویزیون، اگر چه از انواع وسایل بیانی یاری گرفته‌اند، اما به نحوی زیر سایه سنت مکتبی نوشتاری و کتابی قرار داشته‌اند. در سالهای اخیر، واژه‌ها و عباراتی به کار گرفته شدند که دست کم از نظر دستور-نویسی سنتی یا نوشتاری قبل از انقلاب، پذیرفته و حتی شناخته نبودند. تحول «زبان ارتباطی مطبوعات» در واقع محصول کاربرد انواع وسایل بیانی مردمی در رسانه‌های جمعی، به ویژه محصول پیوند گفتار و نوشتار است.

پیوند گفتار و نوشتار در رسانه‌های جمعی

سابقه کاربرد گفتار در نوشتار به پیدایش خط باز می‌گردد. نمونه‌های توجه به زبان ارتباطی، در نظم و نثر قدیم ایران موج می‌زنند؛ صعود به قله‌های رفیع ادبیات ایران، همواره، با گذر از دامنه‌های زبان مادری، به ویژه با بهره‌گیری از بیان پرخروش عامه مردم همراه بوده است. به طور کلی، نقاط عطف تحول زبان، نمادهای تحولات اجتماعی فرهنگی به شمار می‌آیند و با لحظه‌های گذار تاریخی پیوند نزدیک دارند. آمیختگی قشرهای مختلف مردم، همدلی و ارتباط نزدیکتر اجتماعی را به همراه داشته و ایجاد شکافهای اقتصادی - سیاسی در جامعه، ایجاد گسلهای زبانی را سرعت بخشیده است.

در گذشته، به دلیل جدایی ملت و دولت، مطبوعات سخنگو و جارچی دولت، و طبعاً مورد بی‌اعتمادی ملت بودند. زبان مطبوعات زبان دولت بود، و خواست و زبان مردم، در نشریات بازتابی نداشت. این عدم مشارکت زبانی مردم، نمادی بود از عدم مشارکت در مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی.

زبان ارتباطی مطبوعات که با پیدایش اولین روزنامه‌ها شکل گرفته بود، با مشارکت بیشتر در انقلاب مشروطیت متحول شد، و با انعکاس خواستها و زبان آنها در مطبوعات آن

دوران، شکل مشخص تری یافت.

نویسندگان ادبیات، شعر، سفرنامه و فرهنگ مردم، در تحکیم زبان ارتباطی مطبوعات

گامهای ارزنده‌ای برداشتند. در تمامی این دوران، طنز، به ویژه از منابع مهم بهره‌گیری از زبان محاوره و گفتار و بیان مردمی بوده است.

در حوزه بیان تصویری، طرح و کاریکاتور، با استفاده از زبان ساده و صریح، ارتباط دیرینه با زنان حال مردمی را حفظ کردند. کاریکاتور که در طول تاریخ مطبوعات وسیله بیانی عامه فهم اندیشه و تفکر و طنز به شمار می‌آمد و خبر و آموزش و سرگرمی را در قالب محاوره و بیان غیررسمی و عامیانه تصویر و ثبت می‌کرد، در سالهای انقلاب و جنگ نیز به عنوان ابزار مهم بیان مردمی باقی ماند. کاریکاتور، به عنوان تصویر تلویزیونی، پوستر، کارت پستال یا پلاکارت، در راهپیمایها نیز حاضر بود و کاربرد وسیع مردمی داشت.

با ورود عکس (در ۱۲۷۷ ه. ق.)، عناصر بیانی تازه‌ای به زبان ارتباطی مطبوعات افزوده شد و تصاویر زندگی روزمره و مردم کوچه و بازار به تدریج به این رسانه گام نهادند. این تحول بیانی، در طول انقلاب و جنگ به اوج رسید و در جریان حوادثی چون زلزله، از مرزهای ملی فراتر رفت.

رسانه‌های پخش از جمله تلویزیون نیز با بهره‌گیری از کلام و تصویر مردمی، از فراوانی سوژه بهره بسیار گرفت، و به دنبال رادیو و تلویزیون، زبان حال و گفتار مردمی، بیش از پیش به سینما نیز راه یافت.

تحول در بیان تصویری و عکس و فیلم، متقابلاً در نشریات عمومی و تخصصی منعکس شد و بر غنای زبان ارتباطی آنها افزود. این زبان، در حال حاضر می‌کوشد، بیش از پیش به تمامی نشریات تخصصی، از جمله به نشریات علمی، و از آنجا به دانشنامه‌ها و کتابها نیز راه یابد. با ورود هر چه گسترده‌تر زبان ارتباطی جدید به دنیای نوشتار راههای گسترش فرهنگ علمی و زبان تکنولوژی هموارتر خواهد شد. در حال حاضر بعضی مطبوعات می‌کوشند مفاهیم و یافته‌های تازه را با زبانی انتشار دهند که «حتی خواننده دبستانی هم بتواند آنها را دریابد»؛ نثری ساده، بدون ابهام و تا حد امکان آشنا برای همگان که هر جمله آن اطلاعات معینی را انتقال می‌دهد و «خوانندگان مختلف با خواندن جمله‌های یکسان اطلاعات متفاوتی به دست نمی‌آورند.» در چنین شرایطی، «زبان ارتباطی مطبوعات» در آستانه تحولی تاریخی قرار خواهد

گرفت و آمادگی خواهد یافت تا نتایج علم و آخرین یافته‌های علمی را به مخاطبان خود برسانند.

با این حال، تا شکل‌گیری کامل‌تر زبان ارتباطی مطبوعات راه درازی در پیش است، و با وجود آنکه «مردم در هیچ دورانی به اندازه امروز نسبت به مطالب و محتوای مطبوعات حساسیت نشان نداده‌اند و مطبوعات به اصطلاح «زبان کار» خود را یافته‌اند»، اما روزنامه‌ها هنوز رسمی هستند و به عبارتی زبان مردمی در مطبوعات کم است.

نتیجه

مطبوعات ایران، در طول انقلاب و جنگ کوشیدند بخشی از سنت و فرهنگ شفاهی جامعه را ثبت کنند. این تلاش، به ایجاد ارتباط دو سویه و شکل‌گیری زبان مشترک، آن هم در جهت ایجاد تعادل اطلاعاتی در جامعه یاری داد.

در جریان این تحول سهمی از بیان مردمی و گفتار به نوشتار و مطبوعات، و بخشی از آن به تصویر، طرح، فیلم و سایر وسایل بیانی انتقال یافت. در واقع، با توزیع بیشتر ارتباط کلامی و غیرکلامی در میان رسانه‌های جمعی گوناگون، تقسیم کار ارتباطات اجتماعی مشخص‌تر شد.

مشارکت زبانی عامه در این جنبش مطبوعاتی، نشانه تمایل به مشارکت اجتماعی نیز بوده است. این دو جنبه از مشارکت را که مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند و فراز و نشیب‌شان به شکلی حیاتی به هم وابسته است، نمی‌توان به مشارکت زبانی تقلیل داد. وقتی مشارکت اجتماعی از میان برود، مشارکت زبانی هم به حداقل کاهش می‌یابد، چه انگیزه اصلی خود را از دست داده است.

ورود سیل آسای زبان مردمی به مطبوعات، اعلام خواست مشارکت اجتماعی آنان هم به شمار می‌آید و تحول زبان ارتباطی، نمادی از تمایل به گسترش ارتباط در جهت مشارکت اجتماعی است. به قول اکتاوو پاز، «دموکراسی یعنی گفت و شنود»، و برقراری گفتگو میان مردم و مطبوعات، و به تعبیری میان مردم و دولت، وسیله بیان خواسته‌های سیاسی و اجتماعی است. در اینجا، آنچه برایم جای سؤال دارد این است که، چگونه می‌توان به سرچشمه‌های مشارکت زبانی مردم بازگشت و از ساده‌ترین، اما مهمترین نمادهای زبان ارتباطی، به سوی تحقق عمیق‌ترین خواسته‌های همگانی حرکت کرد و در عین حال، به تحول و غنای زبان ارتباطی جامعه نیز یاری داد؟ با تشکر.